

نقش موافقت طرفین در مذاکرات ۵+۱ و جمهوری اسلامی

امیرفیض- حقوقدان

یکی از عناوین حقوقی که بازتاب مطلوبی دارد و نشان از رضایت و فقدان کُره اجبار است، واژه «موافقت» است. موافقت، وقتی در مورد واحدی به طرفین قرارداد تعلق گیرد یعنی انجام یک عمل و یا موافقت با آن، منوط به موافقت مشترک هر دو طرف باشد، قرارداد و منظور از قرارداد را متوقف و از حرکت باز میدارد.

به همین دلیل همواره بجای اتفاق موافقت، از موافقت اکثریت استفاده میشود و از موارد اختلاف در قرار داد های دوطرفه بجای حق مخالفت برای هر طرف، از حق رجوع به داوری صحبت میشود.

این تحریر مقتضی میبیند که بایک مثال از نوشته بالا رفع ابهام کند.

ملکی بمدتی مثلا ۵ سال اجاره میشود و در آن قید میشود بعد از ۵ سال مبلغ مال الجاره و یا ادامه اجاره با موافقت و تراضی طرفین معین خواهد شد.

اگر در پایان مدت یکی از طرفین با مبلغ مال الاجاره بهر دلیلی که نیاز به اثبات ندارد موافقت نکند قرارداد اجاره متوقف میشود و مستاجر باید ملک را تخلیه کند.

اتفاق موافقت، مانند حق مخالفت، برای طرفین یک قرارداد سبب توقف و قفل شدن کار میشود نمونه برجسته آن حق وتوی در شورای امنیت است که بمناسبت عدم موافقت حتی یک عضو، موضوع از دستور شورا خارج میشود.

واما بعد

در موافقتنامه ژنودر ۱۰ نوبت از کلمه «موافقت طرفین» استفاده شده یعنی موافقت مشترک ۵+۱ با ایران شرط حصول مقرر شده که ظاهر آن، یک مقبولیت و امتیازی برای ایران محسوب میشود در حالیکه این چنین صراحتی در موافقتنامه ژنو، جمهوری اسلامی را اسیر تصمیمات و خواستههای ۵+۱ قرار داده است.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی نام موافقتنامه ژنو رابه اقدام مشترک برگردانده؛ زیرا بظاهر نام مزبور یک شخصیت موازی با شخصیت طرف موافقتنامه به تصور میاید در حالیکه حقیقت چنین نیست بلکه موقعیت جمهوری اسلامی را در رابطه با موافقتنامه به اسیر و اسارت نامه مبدل ساخته است.

درست است همانطور که ۵+۱ حق نه گفتن دارد جمهوری اسلامی هم حق نه گفتن را دارد ولی تفاوت در این است که موردی در موافقتنامه ژنو وجود ندارد که جمهوری اسلامی بتواند آزادانه مخالفت کند زیرا بهای نه گفتن جمهوری اسلامی تحمیل تحریمهای بیشتر و ادامه آنهاست.

موارد موافقت طرفین در موافقتنامه

عرض شد که ۱۰ مورد در موافقت نامه ژنو منوط به موافقت مشترک ایران و ۵+۱ شده که تمامی آن موارد سبب توقف کاربند ۵+۱ خواهد بود. بر رعایت اختصار به چند مورد از آن ها اشاره میشود.

- **توافق در تمدید مدت**

یکی از عناصر تشکیل دهنده گام اول اجرای موافقتنامه، دوره ۶ ماهه است که با توافق متقابل قابل تمدید میباشد. ضمناً این شرط هم اضافه شده که در این دوره اعضاء با حسن نیت در حفظ فضای سازنده اقدام خواهند کرد.

خوب، معلوم است، اگر ۵+۱ از تمدید مدت ۶ ماه خودداری کرد هیچ الزامی برای ۵+۱ در تمدید مدت دوره ۶ ماهه وجود ندارد و دقیقاً مراتب پیش بینی شده در موافقتنامه ژنو از باب سنگین کردن تحریم ها و برگشت تحریم های تعلیق شده قابل حرکت خواهد شد.

همانطور که ملاحظه دارید حسن نیت طرفین در حفظ فضای مذاکرات شرط است. آیا اظهارات آقایان ظریف و عراقچی در آمادگی حمله هوایی آمریکا به فردو و نطنز نشانی از حسن نیت است؟ و آیا تمسک آمریکا به همین اظهارات و مشابهات آن بهانه ای برای ۵+۱ در خودداری از تمدید مدت نخواهد بود؟

آیا تمدید مدت با اعلامیه کاخ سفید در توجیه موافقتنامه ژنو که گفته است:

«در گذشته این نگرانی مطرح شده بود که ایران از مذاکرات برای خرید زمان به منظور پیشبرد برنامه هسته ای استفاده خواهد کرد» مغایرت ندارد، که حتما دارد؟

حاشیه = هم امروز خبر رسید که ممکن است مدت ۶ ماهه تمدید شود گرچه معلوم نیست که تمدید مدت از سوی ۵+۱ جدی باشد یا خبرولی در حال اگر آمریکا با تمدید موافقت نکند، قطار تحریم ها به حرکت در خواهد آمد.

- **توافق برای راه حل جامع بلند مدت**

در مقدمه موافقت نامه آمده است:

«هدف این مذاکرات رسیدن به یک راه حل جامع مورد توافق و بلند مدت است بنحوی که تضمین کند برنامه هسته ای ایران کاملاً صلح آمیز باقی خواهد ماند.»

برای اجرای این آرتیکل سه (۳) مورد توافق لازم شده است نخست راه حل جامع مورد توافق، دوم توافق بلند مدت و سوم تضمینی که برنامه هسته ای ایران کاملاً صلح آمیز باقی بماند.

یعنی در هر سه مورد و یا هر یک از آنها اگر هر یک از طرفین چه ۵+۱ و یا جمهوری اسلامی موافقت نکند مذاکرات متوقف و ضمانت های اجرایی در موافقتنامه ژنو از قبیل تحریم های اضافی و لغو تحریم های تعلیق شده جاری میشود.

همین جا این استیضاح قابل طرح است چرا باید موافقتنامه ژنو با ابهاماتی چنین سنگین به امضای نمایندگان ایران برسد، معنای بلند مدت چیست و چه مدتی محسوب است؟ در عرف حقوق اسلامی ۹۹ ساله است و آمریکائی ها آنرا به ۲۰ سال و عباس عراقچی بالتماس و درخواست به ۵ سال و یک کارشناس وابسته به سازمان سیا آنرا ۵۰ سال پیشنهاد کرده است. (اهمیت این نظریه او در تحریر بعدی مطرح خواهد شد).

آیا واقعا این موضوع حساس مطلبی است که همینطور در موافقتنامه ژنو معلق و پادرها گذاشته و امضا شود؟

آقای ظریف مثل بچه ها پرید بالا و پائین که یک روزه مشکلات هسته ای ۱۰ ساله ایران را با غرب حل و توافق کردیم.

واقعا این حل کردن مشکلات هسته ای ایران است؟ خوب چرا یک روز صد روز هم طول میکشید چا داشت که این همه گرفتاری و ابهام و دست بستگی برای ایران ببارنمیاوردید.



آیا کیفیت تضمین ایران که فعالیت های هسته ای اش صلح جویانه خواهد بود، چگونه ممکن است مورد توافق با آمریکا قرارگیرد و اگر آمریکا برای رفع

نگرانی های ادعائی خود خواستار پایگاه های نظامی در ایران بشود و باین بهانه به فشار تحریم ها بیفزاید، ملاحظه میفرمائید که توافق طرفین با ظاهر آراسته اش چه دامی برای ایران گرفتار میباشد؟

• توافق در تعریف مشترک

حراه حل جامع متضمن یک برنامه غنی سازی با تعریف مشترک، محدودیت های عملی و اقدامات شفاف سازی و توافق بر سر محدودیت هائی درباره اندازه، ظرفیت، حجم، گستردگی و مکان آن خواهد بود <.....>

خواهش دارم فراز بالا را با دقت بخوانید آیا مواعی که در راه تعریف مشترک پیاده شده چیزی هست که قابل اجرا باشد و هیچ عاقلی چنین محدودیت هائی را در مذاکرات رفع مشکل هسته ای ایران میپذیرد؟

و بعد اظهارات آقای اوباما را ملحوظ داشته باشید که یک روز بعد از توافقنامه ژنو گفت <این توافق مقدمه ای برای برچیدن زیرساخت غنی سازی ایران است>.

ده سال است که آژانس و آمریکا به یک تعریف مشترک قابل قبول از دارا بودن حق غنی سازی اورانیوم نرسیده اند و با آنکه در اساسنامه آژانس حق غنی سازی اورانیوم برای مصارف صلجویانه به تمامی اعضاء آژانس پیش بینی شده است، آمریکا قائل به تعلق حق مزبور برای کشورهای عضو آژانس نیست.

چگونه راه حل جامع میتواند بین نظر آمریکا و ایران با تعریف مشترک مواجه شود <حرف مفت زدن آسان است ولی تحمل آن دشوار است>.

اساسا کدام مسئله فلسفی و اخلاقی با تعریف مشترک واحد روبروشده است که تعریف غنی سازی روبروشود (سنگ بزرگ علامت نزدن است).

این مشکلات را ۵+۱ میدانست و میداند که تعهدات ایران را در موافقتنامه ژنو گرفت و بعد مسئله تحریم ها رابه راه حل جامع که بحقیقت باید گفت <راه حل غیرممکن> گره زد.

وعده نشدنی

در دنباله همان فراز تعریف مشترک آمده است:

<این راه حل جامع به مثابه یک مجموعه منسجم خواهد بود که هیچ بخشی از آن مورد توافق قرار نمیگیرد مگر آنکه در مورد تمامی بخش های آن توافق حاصل شود. این راه حل جامع شامل یک فرایند متقابل و قدم به قدم میباشد و به رفع همه جانبه تمامی تحریم های شورای امنیت، تحریم های چند جانبه و تحریم های ملی مربوطه به برنامه هسته ای ایران می انجامد.>

وعده ای که در این بند از موافقتنامه ژنو آمده یعنی برداشتن تحریم ها آنقدر بنظر راحت الحلقوم میآید که به سختی و غیرقابل هضم آن هیچ فکر نشده است.

اجازه بدهید بایک توضیح و نمونه اهمیت پیوستگی و منسجم بودن کلیه موافقت هانشان داده شود.

در فصل ایجاد کانالهای مالی در موافقتنامه ژنو آمده است:

<پرداخت مستقیم شهریه به دانشگاه ها و دانشکده ها برای دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در خارج از کشور تا مبلغ توافق شده>

پیوستگی و انسجام تمام موافقت های مربوط به موافقتنامه ژنو متوجه این مقصود است که اگر بین ۵+۱ و جمهوری اسلامی در مبلغ پرداخت هزینه تحصیلی دانشجویان شاغل که مسلما در مقابل سایر موافقت های موافقتنامه ژنو مبلغ و موضوع ناچیزی است توافق نشود مانند آن است که هیچ توافقی در هیچ موردی نشده است.

شمول اجرائی انسجام و پیوستگی موافقت ها این امکان رابه ۵+۱ میدهد که با طرح موضوعاتی که سبب مخالفت جمهوری اسلامی میشود تمام موافقت ها و تعهدات جمهوری اسلامی را نادیده گرفته و به همان حالت تحریم ها وسفت کردن آن رجوع کند و مستند اقدامات خود را هم مخالفت جمهوری اسلامی عنوان کند.

شرط مزبور عجیب و بی سابقه و در عین حال نامربوط است زیرا موافقتهای منسجم و یکپارچه به موافقت هائی اطلاق میشود که هریک مقدمه و پایه ای برای شروع موضوع مورد موافقت بعدی باشد و ارتباط هر موافقتی سبب بوجود آمدن موضوع مورد توافق دیگر باشد.

هزینه تحصیل دانشجویان ایرانی دانشگاه های خارج از کشور هیچ ارتباطی به تحریم ها و یا مسائل هسته ای ندارد که اگر توافق نشود تحریم ها کماکان ادامه یابد و تمام موافقت ها بلا اثر گردد (فلان به شقیقه

چکار دارد) و این درحالیست که بنا بر اعلام آژانس اتمی، جمهوری اسلامی به بخش مهمی از تعهدات خود درمقابل آژانس عمل کرده است.

حالت این قضیه مانند آن است که ۵+۱ اول ایران را خلع سلاح کرده و بعد سرش را میبرد.

عقیده کلی نسبت به موافقت نامه ژنو

عقیده قاطع بر این است که موافقتنامه ژنو را مردان حقوقی و سیاسی بصیر و مطلع و باتجربه و با علاقه به منافع آمریکا و با آگاهی کامل از هدفهای سیاسی آمریکا تنظیم کرده اند که امروز درک کامل آن از جانب منتقدین ممکن نیست بلکه در سالهای آتی و در جریان تحمیل این موافقتنامه است که معلوم میشود آمریکا در تنظیم آن موافقتنامه با چه تردستی و مهارتی در پناه پیش بینی های حقوقی و خامی نمایندگان ایران بندهای اسارت بسیار محکمی رابه پای حقوق ملت ایران بسته است.

فکر میکنم وقتی آقای ظریف این موافقتنامه ژنو را امضا کرد خانم اشتون و شرمن که تسلط کامل به پیچ و خم های این موافقتنامه دارند بخوانید اسارت نامه< چقدر به بلاهت ما ایرانیان خندیده اند چرا که بهر صورت و ظاهرا بهترین و فهمیده ترین حقوقدانها و مردان سیاسی ایران برای تنظیم و امضای این موافقت نامه انتخاب شده اند.

ادامه موضوع به تحریر آتی.